

## مرور تجربه‌ها در دانشگاه شریف و بنیاد نخبگان

می‌ماند: «تا زمان رسیدن پذیرش اولین دانشگاه، علاوه بر کار در آزمایشگاه، زبانم را هم تقویت می‌کردم؛ چون باید تا قبل از اعزام به خارج، در آزمون زبان که وزارت فرهنگ برگزار می‌کرد، شرکت می‌کردم و نمره‌ی لازم را به دست می‌آوردم.»

دعوت‌نامه از دانشگاه برکلی کالیفرنیا که می‌رسد، سرنوشت او هم رقم می‌خورد. در آن جا او با گروهی از دانشجویان ایرانی آشنا می‌شود که دکتر مصطفی چمران هم در آن حضور دارد: «چمران مثل من دوران دبیرستانم را در البرز خوانده و بعد رفته بود دانشکده فنی دانشگاه تهران و با شاگرد اولی آمده بود آمریکا. او برای کارشناسی ارشد رفته بود تگزاس. من از برکلی و دانشگاهی سر در آورده بودم که دکتر چمران، دکترایش را از آنجا گرفته بود؛ جایی که باید هم درس می‌خواندم و هم زندگی می‌کردم.»

دوستی با دکتر چمران باعث می‌شود او با موضوعات مذهبی و انقلابی آشنایی عمیق‌تری پیدا بکند: «کم‌کم جلسات دکتر چمران هم جدی‌تر شد و بخشی از وقت‌مان به مطالعه‌ی موضوعات جلسه می‌گذشت» این فعالیت‌ها همچنان تا پایان دوره‌ی دکترای او ادامه می‌یابد: «من دیگر یک مسلمان سنتی که فقط نماز می‌خواند و روزه می‌گرفت نبودم. صاحب ایدئولوژی و آگاهی شده بودم. دیگر نمی‌توانستم به اتفاقات دور و اطرافم بی‌توجه باشم. جهانم بزرگ‌تر از تهران و ایران شده بود؛ به‌طوری که فلسطین، لبنان و مصر و حتی ویتنام هم در آن جا می‌گرفت. تصورم از ایران تغییر کرده بود. خاندان شاه را بهتر می‌شناختم و امام خمینی دیگر برایم فقط یک اسم نبود که سال‌ها قبل در شعارهای مردمی که از کوچه‌ی کنار خانه‌ی خاله‌ام رد شده بودند، شنیده بودم...»

این دوستی و رفت‌وآمد با دکتر چمران در آن زمان از چشم ساواک البته دور نمانده بود؛ سال‌ها بعد اسناد ساواک که او را زیر نظر داشته می‌بیند: «در بنیاد شهید چمران قدم می‌زدم و یادگاری‌های شهید چمران را می‌دیدم که برادرش دکتر هادی چمران یک کتاب را نشانم داد. آن‌طور که هادی چمران می‌گفت، کتاب یاران امام به روایت اسناد ساواک، یک مجموعه‌ی چند جلدی بود و از آن مجموعه، یک جلدش در باره‌ی شهید چمران بود. صفحه‌ای که از قبل تا زده بود، باز کرد و گفت بخوان. گزارش ساواک از جلسه‌های یک‌شنبه‌ی ما بود. نوشته بود: برابر اطلاع، از مدتی قبل در برکلی، هر دو هفته یک‌بار در روزهای یک‌شنبه، جلسه‌ای سری تشکیل می‌گردد که عنوان مذهبیان را دارد که در آن عده‌ای به تعداد ۲۰ الی ۲۵ نفر شرکت می‌کنند. موسس این جلسات مصطفی چمران می‌باشد و بعضی از شرکت‌کنندگان عبارت‌اند از: شهناز مقربی، داریوش رفیع‌نژاد و سعید سهراب‌پور و همسرش. پدر نامرده سرتیپ ژاندارمری بوده است. سهراب‌پور دانشجوی دولتی است و جزو شاگرد اول‌هایی است که از طرف وزارت



دیگر این اثر، آن است که زیر پوست این زندگی‌نامه، خواننده می‌تواند از تجربه‌های زیسته و صحبت‌های موجز دکتر سهراب‌پور برای غلبه بر چالش‌های نظام دانشگاهی موجود درس بیاموزد.

از خاطرات او بر می‌آید که این استاد مکانیک دانشگاه صنعتی شریف ۸۴ سال پیش در یک خانواده‌ای که پدر ارتشی بوده، در تهران، چشم بر جهان می‌گشاید: «همین که اولین برف نشست روی زمین و تا زانوهای من که پنج ساله بودم بالا آمد، هر سه نفر (سیمین، حمید و سعید) ذات‌الریه گرفتیم، آن‌هم در خانه‌ی اجاره‌ای مان. خانه در دامنه‌ی کوه بود و پشت پنجره‌هایش مثل بقیه‌ی خانه‌های آن‌جا دریچه‌هایی چوبی داشت تا زور سرما به هوای داخل خانه نرسد. سال ۱۳۲۷ بود و ما به خاطر پدرم ماکو بودیم. مادرم بدیعه باقری از همان هجده سالگی که به پدر ارتشی‌ام ابوالقاسم سهراب‌پور بله گفته بود، می‌دانست هرچند وقت یک‌بار باید زندگی‌اش را از خانه‌اش در کوچه سعادت و خیابان مولوی تهران جمع کند و برود به استانی که ارتش تعیین کرده، حتی اگر سه‌تا بچه کوچک داشته باشد. هر سه تایمان را توی خانه‌باغی در کوچه سعادت به دنیا آورده بود...»

سهراب‌پور از همان دوره‌ی ابتدایی اگرچه اهل ورزش هم بوده، اما همیشه برای درس خواندن اهمیت قائل بوده و شاگرد اول می‌شده است. او دوره‌ی دبیرستان را در البرز گذرانده و این روحیه را تا زمان ورود به دانشگاه حفظ کرده، و پس از آن نیز با انتخاب رشته مکانیک، بدلیل موقعیت خوب تحصیلی‌اش، سرانجام بورسیه‌ی دولت برای تحصیلات عالی‌ه در خارج از کشور می‌شود: «با آن که خیلی به ادامه‌ی تحصیل در خارج از دانشگاه فکر نمی‌کردم، یکی از همان شاگرد اول‌هایی بودم که دانشگاه اعلام کرد باید به فکر مکاتبه با دانشگاه‌های معتبر خارجی باشم»

سرانجام او با چندین دانشگاه معتبر مکاتبه می‌کند و در همین زمان با توصیه خانواده‌اش ازدواج می‌کند و منتظر نتیجه‌ی پذیرش خود در یکی از دانشگاه‌ها

گزارش مراسم اهدای جایزه در این ویژه‌نامه مراجعه کنید.

دکتر سهراب‌پور در ۸۴ سالگی همچنان دغدغه‌ی دانشگاه، تحقیقات و دانشجویان نخبه را دارد، و بر این باور است که زمان بازنشستگی او فرا نرسیده، چون «به صبحی که در محیط علمی کشور عصر نشود، عادت ندارد...» او این علاقه‌مندی به خدمت را در جوانی تحت تأثیر هم‌نشینی و جلساتی که با شهید دکتر مصطفی چمران داشته تجربه کرده و آموخته است. همچنان که، وقتی او پشت تریبون مراسم هجدهمین دوره‌ی جایزه افضل‌پور قرار گرفت، ترجیح داد کمتر از خودش بگوید و عمده‌ی صحبت‌هایش را به بیان خاطراتی از شهید چمران اختصاص داد؛ و از تأثیرپذیری خودش از مجاهدت‌های او و سایر پژوهندگانی که ایثارگرانه کار کرده‌اند سخن بگوید.

دکتر سهراب‌پور در سخنرانی خود با توجه به زمان محدودی که داشت، از زندگی تحصیلی‌اش و دوستی با چمران و بعد حضور در دانشگاه شیراز و پس از آن دانشگاه شریف، و بنیاد نخبگان، تنها به اشاره‌های کوتاهی بسنده نمود، اما تأکید کرد زندگی‌نامه‌ی او اخیراً با کمک «پارک فناوری پردیس» تهیه و منتشر شده است، و در آنجا با تفصیل بیشتری به زندگی و زمانه و کارنامه‌اش پرداخته‌اند.

بر همین اساس، برای معرفی دقیق‌تر دکتر سهراب‌پور در این ویژه‌نامه کوشیدیم یا را از دایره‌ی آن سخنرانی کوتاه مراسم فرائر بگذاریم و با نقل‌هایی که خودش در کتاب یاد شده، با فراغ‌بالی بیشتر از زندگی‌اش بیان کرده، فرصت را برای معرفی ایشان مغتنم بدانیم.

کتاب «مدیر شریف»، با عنوان فرعی «زندگی و زمانه دکتر شهید سهراب‌پور» کار مشترک و ارزشمند پژمان عرب و لیلا پارسا فرست، که با بیانی موجز و نثری زیبا نوشته شده است. به خصوص که شیوه‌ی معرفی دکتر سهراب‌پور در این اثر، بر پست و مقام‌های مدیریتی او متکی نیست، و بر بستر وقایع مرتبط با انقلاب و رویدادهای علمی کشور تدوین شده است. ویژگی

**گروه جامعه:** دکتر سعید سهراب‌پور استاد دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف و عضو حقیقی هیئت امنای پارک فناوری پردیس از شهریور ۱۴۰۳ است. قائم مقام سابق بنیاد ملی نخبگان و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۹ رئیس دانشگاه صنعتی شریف بوده است. وی دارای مدرک دکترای در رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه برکلی در کالیفرنیا در سال ۱۳۵۰ است. همچنین عضو پیوسته فرهنگستان علوم بوده و به عنوان چهره ماندگار انتخاب شده است.

از مسئولیت‌های اجرایی او می‌توان به معاونت عمرانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاونت عمرانی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ریاست دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و قائم مقام وزارت فرهنگ و آموزش عالی اشاره کرد.

آکادمی ملی مهندسی آمریکا در فوریه ۲۰۱۹ دکتر سهراب‌پور را «به خاطر تثبیت دانشگاه صنعتی شریف به عنوان یک مرکز رشد دانشگاهی و پیشرفت آموزش مهندسی و علوم در ایران» به عنوان عضو خارجی خود برگزیده است.

وی با چنین کارنامه‌ی درخشان که در این جا به اختصار از آن یاد کردیم، امسال چهره‌ی شاخص هجدهمین دوره‌ی جایزه مهندس افضل‌پور در کرمان بود. پیش از آن که برای گرفتن جایزه و انجام سخنرانی به جایگاه دعوت شود، دکتر علیرضا سعیدی معاون پژوهشی دانشگاه شهید باهنر که زمانی دانشجوی این چهره‌ی علمی و اجرایی کشور بوده، در باره‌ی زندگی و کارنامه‌ی پر بار استاد خود سخنرانی کرد. سخنان دکتر سعیدی نشان می‌داد که او اهمیت دکتر سهراب‌پور را، تنها محدود به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی او در دانشگاه شیراز و صنعتی شریف یا بنیاد نخبگان نمی‌داند، بلکه او را بخاطر نیم قرن حضور تأثیرگذارش در مسئولیت‌های مهم مراکز علمی تحسین می‌کند که توانست نام خود را در نظام دانشگاهی ایران ماندگار کند. این ویژگی‌های دکتر سهراب‌پور را به‌طور یک‌جا در کمتر مدیر علمی و آموزشی کشور می‌توان سراغ گرفت. برای آگاهی بیشتر از سخنان دکتر سعیدی به



دانشگاه شهید باهنر کرمان



ویژگی هجدهمین دوره جایزه افضل‌پور

تیرماه ۱۴۰۵